

جنایت تروریستی علیه مردم آمریکا را محکوم میکنیم

حزب کمونیست کارگری ایران بشریت آزاده و متمدن و همه آزادیخواهان و انساندوستان جهان را به یک مبارزه مستقل با تروریسم، اعم از دولتی و غیر دولتی، فرامیخواند.

حزب کمونیست کارگری ایران
۱۱ سپتامبر ۲۰۰۱
۲۰ شهریور ۱۳۸۰

تا گروههای مختلف جنبش کثیف اسلامی، در صدر اخبار هر روز جهان است. فاجعه نیویورک نشان داد که اکنون دیگر نسل کشی و در خون غرق کردن مردم در چنین ابعادی نیازی به حکم و فرمان دولتی ندارد. این، در عصر ما، در توان هر سکت و گروه کوچک متعصب نیز هست. فاجعه نیویورک، حلقه ای در تشدید این مسابقه تروریستی است. باید به این روند خاتمه داد.

جنایت کم سابقه علیه بشریت را محکوم میکند و همدردی عمیق خود را با همه قربانیان این فاجعه اعلام میکند. واقعیت اینست که تروریسم اکنون دیگر به یک رکن ثابت جدال و کشمکش دولت ها و جنبشهای ارتجاعی در جهان امروز بدل شده است. دارند ما را با این تصاویر خو میدهند. جنایات تروریستهای دولتی و غیر دولتی، از ناتو و اسرائیل و ایران و عراق و افغانستان،

اقدام تروریستی امروز علیه مردم آمریکا جهان را بهت زده کرده است. در یک عملیات شنیع ضد بشری، چهار هواپیمای مسافربری را ربودند تا آنها را، همراه سرنشینانشان، بعنوان بمب و موشک به هدف بکوبند. دو آسمانخراش عظیم را در مرکز نیویورک، به تلی از خاک بدل کردند و دهها هزار نفر ساکنین آن را بخون کشیدند. این یک فاجعه عظیم است. یک نسل کشی تمام عیار است. حزب کمونیست کارگری ایران این

منشور

کمیته دفاع از حقوق زنان در خاورمیانه

صفحه ۴

پرچم مستغیون کومه‌له

صفحه ۳

دوخباز از بانه و مریوان

صفحه ۴

پای صحبت عبدالله دارابی

قادر به انکار آن نیست. ولی پاسخ سوال بهمین جا ختم نمیشود چون دگرگونی این اوضاع، مستلزم نوع و شیوه دیگری از مبارزه است تا با اتکا به آن حرکت خود بخودی و پراکندگی موجود در جامعه جای خود را به تحزب یافتگی و دور اندیشی بدهد. نفس تنها مبارزه چیزی را خود بخود روشن نمیکند، مردم در زمان شاه هم مبارزه کردند.

صفحه ۲

شویم از جانب برخی گرایشات سیاسی مطرح شده است. ارزیابی شما چیست؟
عبدالله دارابی: شکی در این نیست که فقر و فلاکت در ایران بیداد میکند، جامعه در آستانه یک انفجار عظیم قرار گرفته و مردم برای سرنگونی نظام حاکم آستین ها را بالا زده اند. اعتراض و مبارزات مردم علیه کل موجودیت رژیم در همه شهر های ایران ادامه دارد و کسی

سوال: رژیم اسلامی ایران از هر نظر در یک بحران لاعلاج سیاسی اقتصادی و فرهنگی دست و پا میزند. مردم هم به شیوه‌های مختلف مبارزه میکنند. در چنین شرایطی بحث آلترناتیو و اینکه فعلا اختلافات را کنار بگذاریم تا از شر این حکومت خلاص



عبدالله دارابی

طول موج

رادیو انترناسیونال هر سب

۹ تا ۹ و ۴۵ دقیقه

بوقت تهران

۲۵ متر برابر با

۱۱۶۳۵ کیلوهرتز

تلفن:

۰۰۴۴ ۷۷۱ ۴۶۱ ۱۰۹۹

اطلاعات و پیامگیر رادیو:

۰۰۴۴۲۰۸۹۶۲۲۷۰۷

ایدز و اعتیاد بیماری‌اند، نه انحراف

اوپاشان حزب الله جمهوری اسلامی یافت، قصد تطهیر جامعه کردستان را از بیماران مبتلا به اعتیاد و ایدز دارد. از نظر اینان معتادین به مواد مخدر و بیماران مبتلا به ایدز و دیگر امراض جنسی منحرفان خبیثی هستند که باید از روی زمین پاکشان کرد. اما براستی منحرف واقعی کیست؟

صفحه ۲

اخلاقی منحرف گشته اند را به استانهای کردستان تبعید می نماید. بر اساس گزارشهای رسیده تاکنون چندین تن از این افراد به مناطق کردنشین، بخصوص استان کرمانشاه تبعید شده اند. جای تعجب چندانی نیست که حزب دمکرات کردستان ایران با تمسک جستن به عقب مانده ترین واژه های مذهبی که نظیر آن را به وفور می توان در فرهنگ

و مریضان مبتلا به بیماری ایدز درج شده که می گوید: "با آنکه بر اساس قانون، تبعید افراد منحرف از منطقه ای به منطقه ای دیگر ممنوع است، رژیم جمهوری اسلامی به هدف آلوده نمودن جوانان و بطور کلی جامعه کردستان، مدتی است که افرادی را که قبلا به بیماری ایدز مبتلا شده اند، یا معتاد به مواد مخدر هستند و یا به لحاظ



هلاله طاهری

در «کردستان» شماره ۳۱۹، نشریه حزب دمکرات کردستان ایران، خبری در مورد معتادین

ایسکرا

سردبیر: ایرج فرزاد

iraj_farzad@yahoo.com

تلفن: ۰۰۴۶۷۰۳۶۸۸۵۱۱

فاکس: 00448701687574

آدرس:

K.F.K.S

Box 15203

104 65 Stockholm

پست گيرو: ۱۶۷۸۴۷۱-۲

آزادی، برابری، حکومت کارگری!

ایدز و اعتیاد...

پدیده ای منحصر به ایران نبوده، معتادین در ایران تنها بخشی از قربانیان این صنعت سود آور و خانمان برانداز در سراسر جهان هستند. این واقعیت که ابعاد اعتیاد و بیماریهای ایدز و هپاتیت در بین جوانان به مراتب بیشتر از سایر اقسام است به این فاجعه عظیم انسانی ابعادی چند برابر می دهد. کیست که نداند مسبب این وضع فلاکت بار در جامعه کسی جز حاکمان سرمایه نیستند که انسانها را زیر یوغ بردگی و استثمار کشیده اند. اما یکی از ویژگی های اعتیاد در جوامع اسلام زده ابعاد

سر سرآم آور آن است. ۶ میلیون معتاد به مواد مخدر، صدها هزار زندانی چیزی جز حاصل عطش سیری ناپذیر صاحبان سرمایه و بیش از ۲۳ سال حکومت جهل و خرافه نمی باشد.

جمهوری اسلامی سایه سیاه خود را بر زندگی میلیونها انسان گرفتار در چنگال بی حقوقی انداخته است، که حتی لبخند و شادی کردن نیز قابل کیفر است. زندگی برای زنان جهنمی ست غیر قابل توصیف. جوانان محروم از هر خوشی و شادابی در چنین شرایطی به ناچار خود را در نقطه کوری یافته و در اوج تنهایی و بی پناهی، ناگزیر

به مواد مخدر پناه می برند. در عین حال در شرایط فقر و بیکاری وسیع، مواد مخدر یک منبع وسوسه انگیز کسب درآمد نیز هست.

دولتمردان اسلامی بیشزمانه قربانیان اعتیاد را مسببان این بیماری قلمداد می کنند تا به این طریق گریبان خود را از حل جدی این معضلی که خود هموار کننده رشد آند، رها کرده و چند صباحی بیشتر بر عمر خویش بیفزایند. حزب دمکرات کردستان ایران یک بار دیگر نشان داد که تا چه اندازه در این تحریف با جمهوری اسلامی هم سو است. حزب دمکرات کردستان در بهترین حالت نه مخالف

اعتیاد، نه حتی در فکر محدود کردن آن، بلکه نگران حضور معتادان «منحرف» بیگانه غیر کرد در کردستان است. این تمام افق و دورنمای این جریان ارتجاعیست.

اما برای کمونیسم کارگری، در مقابل، اعتیاد پدیده ای غیر ملی ست و راه حلی فراگیر و پایه ای می طلبد. منحرفان واقعی تبهکاران اسلامی و حامیانشانند.

برای جوان کرد و فارس، خارج از تعلقات قومی و ملی، اعتیاد و ایدز یک درد مشترک است. هر دو رانده شده و تحقیر شده اند. جدا سازی ملی بین قربانیان اعتیاد و یا بیماران مبتلا به ایدز، عملی

فاشیستی و ارتجاعی بوده و آب به کیسه سرمایه دارن و ارتجاع اسلامی می ریزد.

باید به ایدز و اعتیاد بمشابه یک بیماری اجتماعی نگریسته شود. سرمایه گذاری در تاسیس سازمانهای ترک اعتیاد، غیر جنایی کردن استفاده از مواد مخدر، آموزش روابط جنسی در مدارس، رایگان کردن و در دسترس عموم قرار دادن وسایل پیشگیری از حاملگی و امراض جنسی، بهداشت رایگان و بالا بردن امکانات اجتماعی تنها گوشه کوچکی از تلاش برای برخورد به



پای صحبت...

این شیوه مبارزات به تنهایی جوابگوی تحقق خواست های فوری و دراز مدت جامعه امروز ایران نیست. اگر نگاهی به گذشته بیاندازیم و سیر تحولات و مبارزاتی را که به سرنگونی رژیم سلطنت انجامید، مرور کنیم متوجه میشویم که جریان اسلامی و خمینی در راس آن با همین شعار همه با هم در واقع در برابر اینکه مردم بتوانند نسبت به برنامه، چشم انداز و دورنمایی که هر حزب و جریان اپوزیسیون رژیم شاه بعنوان آلترناتیو، کنجکاو بشوند، بر آنها تامل کنند و سپس آگاهانه انتخاب کنند موزیانه ایستادند و نتیجه آن چیزی شد که دیدیم. فعلا از این واقعیت میگذرم که نیروهای اپوزیسیون و اساسا چپ رادیکال در آن دوره کمتر خود را بعنوان یک آلترناتیو اجتماعی مطرح کرد. بنابراین میخوامم بگویم که شعار همه با هم نه صادقانه است و نه واقعی. در دوره قبل این شعار را اسلامیها بدست گرفتند و اکنون طیفهای مختلف بورژوازی با شعار ایرانیکگری و ناسیونالیسم ایرانی. بگذارید در همین رابطه به وجود چند

گرایش کاملا مختلف که اکنون در صف اپوزیسیون رژیم اسلامی هستند مختصر اشاره ای بکنم: گرایش سلطنت طلب، جریانی است که برای اعاده رژیم سابق تلاش میکند البته نه الزاما با شاه. اینها هنوز از مذهب رسمی دم میزنند، صراحتا و بطور شفاف از جدائی مذهب از دولت و آموزش و پرورش حرفی نمی زنند. اینها قبلا امتحان خود را پس داده اند بقول منصور حکمت، رژیم جمهوری اسلامی محصول خود رژیم سلطنت بود. ولی متأسفانه اعمال وحشیانه حکومت دینی روی سپاه این نظام دیکتاتوری را سفید کرده و فرصت را فراهم نموده باز در صحنه سیاست ایران ظاهر شوند.

در کردستان حزب دمکرات کردستان ایران هم چون گرایشی سالهاست بر وجود ستم ملی پر مردم کردستان لم داده و آنرا وثیقه سهم خواهی حزب خود از دولت مرکزی کرده و بدون مراجعه به آرای عمومی مردم، بارها در این رابطه پای معامله و بند و بست با رژیم جمهوری نشسته است. این حزب، در چهار دیواری شعار خودمختاری برای کردستان دور باطل میزند و قرار نیست در خودمختاری آنها مناسبات سیاسی و

اقتصادی و فرهنگی در جامعه به نفع مردم دچار دگرگونی شود. این حزب، با رهایی زن از اسارت و بندگی مذهب و مرد سالاری، شادی و خوشبختی جوانان و رهایی مردم از فقر و فلاکت بیگانه است. این حزب، بلحاظ فکری سرمایه داران و ارتجاع و عقب ماندگی موجود کردستان ایران را نمایندگی میکند. الگوی سیاست های عملی این حزب، ۱۰ سال است در کردستان عراق پیاده میشود و چیزی غیر ناامنی سیاسی و تبعیض فاحش زندگی بین سران "حکومت کردی" با اکثریت مردم کردستان نیست که باعث فرار بخش وسیعی از آنان به دیگر نقاط جهان شده است، چیزی غیر از ابقای سنت های کهنه و عشیرتی، تقویت مذهب و خرافه، زن ستیزی و دشمنی آشکار با کمونیسم نیست. نمیتوان نسبت به دورنمایی که امثال حزب دمکرات پیش روی مردم میگذارند خاموش بود و خواست بخاطر "همه با هم" بودن مردم شعارهایی را انتخاب کنند که با منافع آنان در تضاد است. درحاشیه، جریانات به شدت خطرناک قوم پرست هم شکل گرفتهاند. امثال باند ایلخانی-مهتدی دورنمای خطرناکی را برای

مدنیت جامعه در برابر مردم گذاشته اند. اینها قصد دارند بر بستر نارضایتی مردم از رژیم اسلامی جریاناتی شبیه به ارتش آزادیبخش کوسوو و ارتش آزادیبخش آلبانیایی "تبار"های مقصدینه را راه بیاندازند. بسیار طبیعی و روشن است که شعار "همه با هم" تا چه اندازه حتی میتواند خطرناک هم باشد. به نظر من مردم باید برنامه و سیاستها و دورنمایی را که هر جریان مدعی اپوزیسیون است به دقت تعقیب کنند، مطالعه کنند و آگاهانه انتخاب کنند. اگر بحثی مطرح است نه نادیده گرفتن این اختلافات واقعی، بلکه برعکس دیدن اختلافات طبقاتی، برنامه های و نگرش و مواضع جریانات اپوزیسیون در تمام عرصهها از اقتصادی و سیاسی گرفته تا فرهنگی و اجتماعی است.

سوال: مادام چنین است، مردم بطور مشخص چکار کنند؟
عبدالله دارابی: مردم باید با چشم باز وارد میدان شوند، برنامه و روزنامه های احزاب را بخوانند، رادیو هایشان را تعقیب کنند و پیام هایشان را گوش دهند، با سیاست و تاکتیک هایشان آشنا شوند و بدانند چه میخواهند، بعد انتخاب کنند. یکی از این آلترناتیو ها، افق آزادیخواهی

و برابری طلبی مردم است که بصورت گسترده درون جامعه در جریان است و کمونیسم کارگری آنرا نمایندگی میکند. این افق، را مردم باید انتخاب کنند. حزب کمونیست کارگری چه در برنامه خود و چه در سیاستها و تاکتیکهای روزمره و چه برای همه عرصه های مختلف حیات سیاسی جامعه به روشنی موضع گرفته است. این حزب را باید بسیار بیشتر شناخت، با آن تماس گرفت، روزنامه هایش را بازتکثیر و در ابعاد وسیع پخش کرد، و شعارها و اهداف آنرا به میان همه محافل و صفوف مبارزه کارگران و مردم زحمتکش برد. در این شرایط حساس مردم هم بایستی جدی تر از همیشه با افق باز به سرنوشت و آینده خویش بیاندیشند، آلترناتیو خود را انتخاب کنند و به جریان کمونیسم کارگری و حزب کمونیست کارگری ایران پیوندند. به نظر من مردم باید انتخاب کنند و من توصیه میکنم که حزب و دورنمای کمونیسم کارگری و شعارهای این جریان را سرلوحه مبارزات خود قرار دهند.



پرچم مستعفیون کومه له



سعید کرامت
apuyan@uwo.ca

هر چه زمان بیشتر سپری میشود جناح انشعابی کومه له ماهیت سیاسی خود را عریانتر در معرض نمایش قرار میدهد. اگر هر فرد کنجکاوی قصد داشته باشد که ادبیات، افق و آرمان و کمپی که این جریان خود را با آن تداعی میکند، آشنا شود، بهتر است به سایت اینترنتی حمید بهرامی، یکی از اعضای کمیته مرکزی محفل مورد بحث سری بزند. نامبرده با نسب مطالبی غیر سیاسی، گاهی به اسم خودش و گاهی با نوشته‌های نامهای دیگری مثل علی آشناگر و م. د و هیوا و غیره، در آن سایت حقیقتا گامهای بلندی برای نشان دادن سطح فرهنگ و تعلق سیاسی سازمان مربوطه اش در کشمکشهای سیاسی نشان داده است. در واکنش به انتقاداتی که به سیاست و عملکرد محفل مذکور وارد میشود، نامبرده و یارانش بجای توسل به استدلال و اقناع برای دفاع از سازمان خود، عبارتی بکار میبرند و یا موضع گیریهای میکنند که حتی باز گو کردن آنها سخت است. برای اشاره به کسانی که بحثهای انتقادیشان محفل مذکور را تحت فشار قرار داده، و با هیچ استدلالی قادر نیستند که آن انتقادات را خنثی نمایند، با کلماتی نظیر "بوی

دهن آمده" "استفراق کرده"، ادبیاتشان را تزیین و با اطلاق عباراتی نظیر "کبوتر باز" و "استریتیر" (رقاصه) و ... در صدد هستند که فشار سخت انتقاد بر روی خود کاهش دهند. علاوه بر این، چنان خود را در تنگنا و بن بست یافته اند که کتبا و علنا خوشحالیشان از اینکه تعدادی از فعالین فدراسیون در اربیل توسط عده ای چماقدار، به جرم دفاع از پناهنده و تبلیغ یک دنیای بهتر، مورد حمله قرار گرفته اعلام و با تهدید خطاب به فعالین کمونیسم کارگری میفرمایند "تازه کجایش را دیده اید". چنین موضع گیریهایی در رابطه با آزادیهای سیاسی تنها تعلق خاطر محفل مذکور را به کمپ معینی نشان میدهد.

سبک فعالیت و موضع گیریهای محفل مذکور در رابطه با بدیهی ترین حقوق مدنی جامعه در عرصه کردستان خیلی شناخته شده است. هنگامی که کومه له کمونیست در سالهای ۱۳۶۰ در دفاع از آزادیهای سیاسی، حقوق زنان و مبارزه با مذهب و نقد عملکردهای حزب دمکرات عرصه را بر آن حزب تنگ کرده بود، حزب دمکرات با ادبیات و موضع گیریهای شبیه آنچه که محفل انشعابی از خود نشان میدهد با کومه له بر خورد میکرد. حزب دمکرات خود را در مقابل انتقادات کومه له در موقعیتی بازنده یافته بود که یک کمپین مسلحانه طولانی مدت را علیه این جریان راه انداخت. دهها رزمنده کومه له به "جرم" دفاع از حقوق زن، سازماندهی کارگران و تبلیغ برای آرمانهای والای کمونیستی بدست افراد مسلح حزب دمکرات به قتل رسیدند. محفل مذکور عکس بسیاری

از این جانبختگان را در سایت خود نسب کرده است. اما اگر کسی از میان آنها ذره ای پرنسیب سیاسی داشته باشد بایستی به عکس آن رزمنده های جان باخته نگاه کند، آرمان، افق سیاسی و اراده راسخشان در دفاع از محرومترین قشر مردم کردستان بیاد آورده و با ادبیات و افق سیاسی امروزی خود مقایسه نماید و عرق شرم سرتاپایش را در بر بگیرد.

اگر در آن ایام حزب دمکرات سعی نمود که از حضور برابر زن و مرد در صفوف کومه له خوراک تبلیغی برای کدخدا و ملاهای دهات دور افتاده تهیه نماید، امروز محفل انشعابی، با اشاره به حضور جسورانه زنان در اعتراض به جمهوری اسلامی فعالین کمونیسم کارگری را "رقاصه" مینامد. رقاصه اما تنها از دیدگاه اسلامی پسندیده نیست. از منظر انسان مدرن رقاصه هم یک هنرمند است در ردیف موزیسین. اطلاق رقاصه به جای اینکه صفت بدی برای کسی باشد، اشتراک فرهنگی استفاده کننده اش با جریانات اسلامی میرساند.

اما تشابه فرهنگی محفل مورد بحث ما با جریانات به اینجا ختم نمیشود. نوشته های دیگر این آقایان بخصوص نوشته تحت عنوان "دوخیبر و یک توصیه" گوشه ای از ظرفیت سیاسی باند سیاهی این عده را نشان میدهد. اگر امضای کس ناشناسی پای آن نوشته بود من به عاملین جمهوری اسلامی و افراد وابسته به جریانات اسلامی بد گمان میشدم. نویسنده در همان نوشته، اما، بطرز ناشیانه ای فصل مشترک خود را با جریانات سیاه اسلامی نشان داده و از اینکه تعدادی از فعالین فدراسیون در اربیل به جرم دفاع از پناهنده و تبلیغ یک دنیای بهتر توسط چماقداران حزب دمکرات مورد

حمله قرار گرفته اند، فریاد شادی را سر داده است.

تنها رهبری گروه انشعابی مذکور نیست که از چنین حادثه‌ای خوشحال است. مدتها پیش فتوای قتل تعداد زیادی از یاران منصور حکمت در شهر های سلیمانیه، اربیل و حلبچه از جانب جریان تروریست اسلامی صادر شده است. حدود یکسال پیش ۵ فعال کمونیسم کارگری در سلیمانیه و دوسال پیش دو تن از رهبران حزب کمونیست کارگری عراق در همان شهر اربیل به "جرم" مشابه "جرم" فعالین فدراسیون در اربیل و ترویج نظرات منصور حکمت توسط افراد مسلح جلال طالبانی و گروههای تروریست اسلامی ترور شدند. عضو رهبری منشعبین تازه این ها را کافی نمیداند و گوی سبقت را از جریانات لمپن و تروریست گرفته و تهدید میکند: "تازه کجایش را دیده اید". آیا صفت "چاقوکش" برای کسانی که به این شیوه، مکتوب و پوست کنده، از چماق داری حمایت میکنند و همانند ملا بشیر در اربیل کمونیستها را تهدید میکنند، صفت سخاوتمندانه ای نیست؟ در قبال این درجه از سقوط، جمهوری اسلامی یک تشکر حسابی به این آقایان بدهکار است. بایستی مثل برادر "بزرگوارشان" (عبارتی که عبدالله مهتدی برای مخاطب قرار دادن طالبانی استفاده میکند). منتظر تشکر رسمی جمهوری اسلامی و امثال ملا بشیر در اربیل باشند. محفل مورد بحث یک باند قوم پرست و فالاتزیست است. زیرا، از آنجایی که افق و آرمانش با مطالبات رادیکال جامعه منافات دارد،

به منظور اینکه جا پائی برای خودش بیابد اقدام به باد زدن احساسات کهنه ناسیونالیسم قوم پرستانه میکند. بجای پرداختن به خواسته های رادیکال مردم، فرهنگ عقب مانده عهد عتیق و میراث عشایر برایش محوری میشود. در اولین اعلامیه شان پارسال، از میان خواسته های متعددی که مردم دارند، از مخاطبینشان خواستند که در مدارس یکهفته به زبان کردی حرف بزنند. در حالی که نیم متر برف بر روی زمین است با کلاش (گیوه) (محصولات صنایع دستی قبل از انقلاب صنعتی) در مراسمهای کردی نمایان میشوند. مردم، اما، شایسته برخورداری از سطح رفاهیاتی که هر انسان امروزی برایش تلاش میکند هستند. اینها دوست دارند با رمانتیسیم ارتجاع قوم پرستانه‌شان مردم را در اعصار سپری شده تاریخ محبوس نگاه دارند و به این میگویند فرهنگ و میراث و افتخار مردم کردستان!

جریان مذکور فالاتزیست است؛ زیرا نه خود بحث سیاسی معینی دارد و نه حاضر به

صفحه ۴

ایدز و اعتیاد ۰۰۰

ادامه از صفحه ۲

معضل اعتیاد و امراض جنسیست.

تحقق این مطالبات در گرو سرنگونی جمهوری اسلامی ست. حزب کمونیست کارگری ایران با تمام توان برای تحقق این مطالبات مبارزه کرده، ریشه کن کردن اعتیاد و دیگر بیماریهای اجتماعی را در گرو براندازی حکومت اسلامی و برقراری سوسیالیسم می داند.

دنیای ما دنیای رفاه و آزادی، دنیای شادی و برابری ست.

زنده باد جمهوری سوسیالیستی!



مرگ بر جمهوری اسلامی! زنده باد جمهوری سوسیالیستی!

منشور "کمیته دفاع از حقوق زنان در خاورمیانه"

دو خبر از بانه و مریوان

بانه: روز جمعه ۱۶ شهریور (۷ سپتامبر) نیروهای انتظامی جمهوری اسلامی همراه با مزدوران اطلاعات بانه برای دستگیر کردن مردم کاروانچی در کمین آنها نشستند. در این جریان مردم زیادی دستگیر شدند و اموال و ماشین فراوانی غصب شد. مزدوران اطلاعات و نیروهای انتظامی بعد از گرفتن باج و خراج فراوان مردم را آزاد کردند و وسایل و ماشینهایشان را در همان محل تحویل دادند. حداقل پولی که از هر نفر در این ماجرا به زور گرفتند ۵۰ هزار تومان بوده است.

مریوان: روز یکشنبه ۱۸ شهریور (۹ سپتامبر) در صد متری مرز باشماخ مینی که توسط مزدوران رژیم کار گذاشته شده بود منفجر شد. بر اثر این انفجار متأسفانه دو نفر کاروانچی یکی به اسم صلاح شهبازی هر دو دست خود را از دست داد و در عین حال کور شد و دیگری نیز دستهای خود را از



پرچم مستعفیون کومه له

ادامه از صفحه ۲

شنیدن انتقاد و بحثی در مورد پراتیک، سیاست و آرمان خود است. با قلدر منشی، توطئه و نفرت پراکنی به مخالفینش برخورد میکنند. همه این ویژگیها را در جریان انشعابش از کومه له و بعد از نشان داده است. به منظور پوشاندن ضعف از شنیدن انتقاد، چنین جریانی حاضر است که برای تضعیف منتقدین سیاسی بالفعلش با سیاه ترین جریانات دریک کمپ قرار گیرد. با بکارگیری واژه های که در فرهنگ اسلامی مرسوم است و با تهدید فعالین کمونیسم

کارگری، اینها در واقع دارند علنا دارند پرچم جریانی را بلند میکنند که یک دهه جنگ به کومه له تحمیل کردند، محافظین سنتر زنان را در سلیمانیه به رگبار بستند و دو تن از اعضای رهبری حزب کمونیست کارگری عراق را در اربیل به "جرم" تبلیغ یک دنیای بهتر ترور کردند. منشعبیون کومه که پرچم چنین جریاناتی را بر داشته اند.

۱۳ سپتامبر ۲۰۰۱



کمیته کردستان

رحمان حسین زاده (دبیر کمیته)

Tel: 0046 739 855 837

email: r_hoseinzadeh@yahoo.com

مسئول دبیرخانه کمیته کردستان

هلاله طاهری

Tel: 0046 73 61 62 211

email: halale_taheri@yahoo.com

کمیته دفاع از حقوق زنان در خاورمیانه برای دفاع از حقوق فردی و مدنی زنان در خاورمیانه تشکیل شده و مبارزه می کند. ما معتقدیم که ایجاد تحولات اساسی در موقعیت زنان خاورمیانه در گرو جدایی مذهب از دولت و برقراری نظامهای سکولار است. ما نظریه "نسبیت فرهنگی" را وسیله ای برای سرکوب حقوق و آزادیهای زنان و توجیه عملکرد رژیمها و جنبشهای اسلامی می دانیم. حقوق زنان جهانشمول است.

کمیته دفاع از حقوق زنان در خاورمیانه برای تحقق خواستههای زیر تلاش و مبارزه می کند:

- ۱- لغو قانون اسلامی خانواده و جایگزینی آن با یک قانون خانواده سکولار که برابری حقوق و مسئولیتهای زن و مرد در خانواده، در تربیت و سرپرستی فرزندان، تعیین
- ۲- لغو قوانین قتلهای ناموسی و برسمیت شناختن قتل زنان به بهانه ناموس بعنوان یک جرم سنگین جنایی
- ۳- مقابله با ازدواجهای اجباری دختران در خانواده های اسلامی
- ۴- ممنوعیت تحمیل پوشش اسلامی به زنان و دختران، آزادی پوشش
- ۵- ممنوعیت جداسازی زن و مرد در اماکن عمومی
- ۶- مبارزه علیه محدودیت بر حقوق زنان در سفر، تعیین محل زندگی، شغل و تحصیل و معاشرت
- ۷- مجازات سنگین برای آزار و خشونت علیه زنان و دختران در خانواده
- ۸- ممنوعیت تعدد زوجات
- ۹- حقوق برابر سیاسی زنان: رای دادن، انتخاب شدن و انتخاب کردن، کسب موقعیتهای سیاسی و قضایی، آزادی در تعلق به احزاب

اطلاعیه مطبوعاتی ۲

سومین کنفرانس مدوسا

نه روسری نه توسری

جنبش برابری طلبی زنان در ایران از ۱۳۵۷

مدوسا سومین کنفرانس خود را در لس آنجلس، آمریکا در تاریخ ۲۶ تا ۲۸ اکتبر ۲۰۰۱ برابر با ۴ تا ۶ آبان ۱۳۸۰ برگزار میکند. جنبش برابری طلبی زنان از انقلاب ۵۷ وارد دوره نوینی شد و دچار تحولات بسیار عمیقی گردید. در کنفرانس سوم مدوسا این جنبش، تحولاتی که از سرگذرانده، و آینده آن از زوایای مختلف مورد تحلیل و بررسی قرار میگیرد.

لیست سخنرانانی که تاکنون قطعی شده است:

شهره آغداشلو، مینا احدی، مهناز افخمی، الهه امانی، هما سرشار،

نهیض فرنودی، آذر ماجدی، آذر نفیسی، پرتو نوری علاء

محل کنفرانس: دانشگاه یوسی ال ا

علاقمندان شرکت در کنفرانس میتوانند از طریق زیر

با ما تماس بگیرند.

تلفن: ۱۷ ۵۰ ۵۳۳ ۷۷۶ ۴۴+

فکس: ۸۵ ۸۳ ۱۳۵ ۸۷۰ ۴۴+

ای میل: azarmajedi@yahoo.com

دست مذهب از زندگی مردم کوتاه!